

## گسترش اوراسیا: جاه‌طلبی‌های اروپایی روسیه<sup>۱</sup>

پس از پایان جنگ سرد، مرحله جدیدی از رویارویی غرب و روسیه آغاز گردید. روسیه این بار هدف جهانی خود را از طریق گسترش بیشتر حوزه غربی یا اورآتلانتیک و دگرگونی و تخریب نقش جهانی آمریکا باز می‌یابد. مفسران روسی معتقدند که برتری آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی در حال افول است. این وضعیت فرصتی با ارزش برای یک روسیه نو ظهور فراهم می‌آورد تا روند جاری را شتاب دهد، منافع خود را تامین کرده و نفوذ خود را در نواحی کلیدی مجاور سرزمینش به ویژه در جهت اروپا بسط دهد. جاه‌طلبی‌های روسیه در اروپا حول موضوع گسترش منطقه «اوراسیایی»<sup>۲</sup> دور می‌زند؛ زیرا که در آن منطقه بازیگر سیاسی مسلط می‌باشد. برای مسکو، «اوراسیائیسم»<sup>۲</sup> دارای دو معنای استراتژیک کاملاً مرتبط می‌باشد:

۱. تبدیل اروپا به منطقه‌ای تحت نفوذ و منضم به روسیه.

۲. تضعیف اورآتلانتیسم از طریق کم‌رنگ کردن پیوندهای اروپا و آمریکا.

این موضوعات به طور خلاصه از سوی رئیس جمهور روسیه دمیتری مدودف طی دیدار وی از برلین در ژوئن ۲۰۰۸ هنگامی که پیمان امنیتی اروپای متحد را پیشنهاد نمود عنوان گردید، پیمانی که اهمیت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی را کاهش داده و نفوذ آمریکا را محدود می‌نماید. همچنین وی اظهار داشت: «دوران آتلانتیسم به عنوان یک اصل تاریخی بنیادی قبلاً به سرآمده و ناتو در امر ارائه مفهومی جدید از بقای خود شکست خورده است».

<sup>۱</sup> Janusz Bugajski, *Expanding Eurasia: Russia's European Ambitions*, Center for Strategic and International Studies (CSIS), Washington: The CSIS Press, 2008, 205 PP.

<sup>۲</sup> Eurasianism

مطالب گفته شده، بخشی از مقدمه کتاب گسترش اوراسیا: جاه‌طلبی‌های اروپایی روسیه می‌باشد که در سال ۲۰۰۸ منتشر شده و شامل هفت بخش تحت عناوین زیر می‌باشد:

۱. تجدید حیات روسیه
  ۲. بررسی فهرست مناطق تحت نفوذ روسیه
  ۳. شکاف در غرب: دیپلماسی تقسیم و تفرقه
  ۴. منطقه سرشار از منابع گازی: انرژی به عنوان یک اسلحه
  ۵. خرید اروپا: ابتیاع به عنوان سیاست
  ۶. محدود نمودن امنیت: ضعف ناتو
  ۷. نتیجه‌گیری: چالش‌های اروپا و آمریکا
- کتاب مزبور دارای دو نقشه با عناوین الف) شبکه توزیع انرژی در اروپا توسط روسیه و ب) جاه‌طلبی‌های اروپایی روسیه: ایجاد مناطق تحت نفوذ مستقر که گویای سلطه روسیه بر خطوط لوله نفت و گاز ارسالی به اروپا و وسعت مناطق تحت نفوذ (در حال حاضر) این قدرت است. همچنین، بخش مخفف‌های کلیشه اصطلاحات، واژه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، قراردادهای، پیمان‌ها و معاهدات کتاب بسیار غنی بوده و مطالعه آن برای هر محقق علوم سیاسی مفید می‌باشد.
- از آنجا که فصل ششم کتاب (محدود نمودن امنیت: ضعف ناتو) به طور مفصل نقش ناتو را با توجه به تحولات اخیر توضیح می‌دهد بخشی از آن به طور نمونه به نقل از صفحه ۱۳۶ کتاب می‌خوانیم:
- « کرم‌لین تأمین امنیت و اقدامات بشردوستانه ناتو در منطقه بالکان را دستاویزی برای گسترش آن تلقی می‌کند. دخالت نظامی ناتو علیه صربستان در ۱۹۹۹ و اعمال نسل‌کشی بلغراد در کوزوو به گفته مقامات روسی نمونه و سندی عنوان می‌گردد که مخالفت آنها را با گسترش ناتو توجیه می‌کند. مسکو مدعی است که شمول آلبانی، کرواسی و مقدونیه به علاوه بلغارستان و رومانی در یک پیمان مشترک، به ناتو و واشنگتن اجازه کنترل مستقیم منطقه بالکان را می‌دهد.
- در حرکتی نمادین جهت مقابله بیشتر با ناتو، در ژانویه ۲۰۰۸ پوتین دمتری روگوزین سیاست مدار ملی گرا را طی حکمی به عنوان سفیر روسیه در ناتو معرفی نمود. در

دسامبر ۲۰۰۳، روگوزین در دوما به عنوان رهبر حزب میهنی انتخاب شده بود و مرتباً ناتو را به عنوان یک سازمان متجاوز تحت سلطه آمریکا که به طور دائم مرزهای روسیه را رصد می‌نماید، مورد حمله قرار می‌داد. در اجلاس سالانه مقامات عالی رتبه نظامی روسیه در نوامبر ۲۰۰۷، پوتین هشدار داد که مسکو: اجازه نمی‌دهد که در قبال بسط ناتو در جهت مرزهای فدراسیون روسیه منفعل باقی بماند».

شورای ناتو - روسیه وقت بسیاری را به مجادلات حول دفاع موشکی، کوزوو و تعلیق اجرای کنوانسیون ۱۹۹۰ نیروهای نظامی در پیمان اروپا از طرف روسیه اختصاص داد. همچنین، مسکو نگرانی خود را از اینکه کشورهای بی طرف چون فنلاند می‌توانند به ناتو بپیوندند را اعلام نموده است. در فوریه ۲۰۰۷، پوتین اخطار نمود که تثبیت موقعیت نظامی ناتو در نزدیکی مرزهای روسیه از طریق گسترش به سرزمین فنلاند به‌طور جدی به روابط بین مسکو و هلسینکی لطمه وارد می‌نماید.

به دنبال ورود اعضای جدید، بعضی از پایتخت‌های کشورهای عضو ناتو نگرانی خود را از نفوذ اطلاعاتی روسیه اعلام نموده‌اند چرا که مقامات رسمی کشورهای اروپای شرقی و مرکزی ارتباطات خود را با مسکو حفظ کرده‌اند. شواهد از کشورهای گوناگون حاکی بر آن است که سرویس اطلاعاتی برون مرزی روسیه و سرویس اطلاعاتی نظامی روسیه به میزان قابل توجهی عملیات خود را افزایش داده‌اند. آنها به ویژه در میان کشورهایی که جدیداً عضو ناتو شده‌اند، فعال می‌باشند تا به اطلاعات نظامی آنها دست‌یافته و در کمیته‌های مختلف ناتو رخنه نمایند.

نگرانی‌ها در فوریه ۲۰۰۸ زمانی مطرح گردید که بوداپست «سندور لایبورک» از اداره امنیت ملی مجارستان را به عنوان رئیس کمیته ویژه مباحث اطلاعاتی ناتو معرفی نمود. «لایبورک» در دهه ۱۹۸۰ در آکادمی کا. گ. ب، مسکو تحصیل کرده بود و انتصاب وی باعث ایجاد مجادلاتی در پایتخت‌های ناتو در مورد رخنه اطلاعاتی روسیه که می‌توانست امنیت پیمان ناتو را به مخاطره بی‌اندازد، مطرح گردید. شبکه سرویس اطلاعات جاسوسی کشورهای کمونیست سابق همچنان به دنبال رخنه اطلاعاتی و کسب اطلاعات در شماری از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی می‌باشد. این امر ممکن است بعضی از پایتخت‌های ناتو را متقاعد نماید تا در مورد تبادل اطلاعات حساس بیشتر نگران باشند.

برنامه تبلیغاتی روسیه، احساسات و عقاید ضدغربی خود را در فرصت‌های مناسب ابراز می‌دارد. خصومت با غرب و عزم روسیه جهت دفع دست‌اندازی‌های متجاوزانه تکیه اصلی

تبلیغات انتخاباتی پارلمانی روسیه در سال ۲۰۰۷ بود. بنا به گفته بعضی از آگاهان، آمریکا در نظر دارد که روسیه را به طور سیاسی و نظامی احاطه نموده تا بر قلمروهای نفوذ سنتی او در دریای سیاه، قفقاز، دریای خزر و آسیای مرکزی تسلط یافته و خطوط حمل و نقل انرژی (عبور کننده از روسیه) را کنترل کند؛ بدین ترتیب، مزیت نظامی، سیاسی و اقتصادی را به طور کامل تضمین نماید. احزاب لیبرال که عملکرد انتخابات را مورد انتقاد قرار دادند توسط رسانه‌های دولتی «شغال‌ها» و «دشمنان» نامیده شدند و متهم به فعالیت علیه منافع کشور (روسیه) بر اساس دستورالعمل سفارت‌خانه‌های غربی شدند.

متقابلاً، در حالیکه روسیه ناتو را به گسترش طلبی متهم می‌سازد، پیمان ناتو را به ویژه در قبال بی‌ثباتی افغانستان و بالکان بی‌اثر می‌داند. به طور آشکار، ناتو نه تنها به حل مسائل مهم بین‌المللی و بحران‌های منطقه‌ای کمک نمی‌کند بلکه بواسطه دخالت‌های بسیار آن مشکلات را تشدید می‌نماید. در گزارشی از طرف مسکو (بر اساس شورای سیاست خارجی و دفاعی در مارس ۲۰۰۷) تحلیلگران تضعیف نقش ژئوپلیتیک آمریکا طی دهه آینده را پیش‌بینی می‌کنند. وزارت امور خارجه روسیه با مضمون این گزارش موافق است ولی اضافه می‌کند که الزاماً بی‌نظمی کامل نتیجه پایان برتری آمریکا نیست چرا که روسیه آمادگی دارد نقشی مهمتر در رویدادهای جهان به عهده گیرد.

روسیه طرح‌های گوناگون جهت خنثی نمودن ناتو یا مقابله با دست‌اندازی روزافزون جهانی ناتو معین و طراحی می‌نماید. روسیه بر اهمیت شورای امنیت سازمان ملل متحد تاکید دارد زیرا دارای حق وتو نسبت به تصمیمات قدرت‌های بزرگ جهت اجرای هرگونه عملیات نظامی چندملیتی می‌باشد. به عبارت دیگر، هر گاه آمریکا خارج از چارچوب شورای امنیت سازمان ملل عمل نماید در واقع، تهدیدی واقعی جهت منافع نظامی و سیاسی روسیه عنوان می‌گردد. مسکو نیز از چارچوب‌های امنیتی جایگزین جهت تضعیف اهمیت ناتو حمایت می‌نماید. این امر شامل پیشنهادهایی جهت تحول سازمان امنیت و همکاری اروپا به یک ارگان امنیتی بین‌المللی می‌گردد.